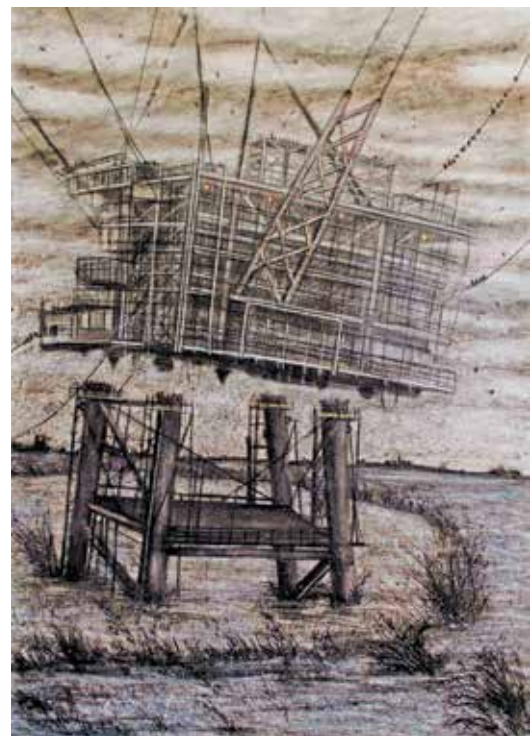




گفت و گو با پگاه رجامند درباره فضای نقاشی هایش

# نباید نگاه مان تنها به بیرون از ایران باشد

پگاه رجامند متولد ۱۳۶۷ در ارومیه است. از سال ۹۱ در دانشگاه هنر و معماری شروع به تحصیل کرده و در حال حاضر دانشجوی کارشناسی ارشد نقاشی است. با او درباره ارتباط هنر تجسمی و بویژه نقاشی با مفهوم انسان ایرانی و دغدغه های او در این زمینه صحبت کرده ایم.



**در نقاشی ایرانی از نظر رنگ، ترکیب بندی سطوح و ... نکته های زیادی برای آموختن وجود دارد. اگر اساتید دانشگاه بیایند و این نکته ها را به عنوان یک آرتیست، به آرتیست دیگر منتقل کنند ترکیبی از یک هنر ایرانی به وجود خواهد آمد. این اتفاق در کار هنرمندان معدودی افتاده است ولی باز هم به نظر من طعم غربی آن خیلی بیشتر از ایرانی است**

## چیزهای زیادی باید از هنر ایرانی یاد بگیریم

چیزی که در نسل فعلی نقاشان ایرانی بیشتر به چشم می آید این است که نقاش جوان ایرانی تمایل دارد با هنرمندان دیگر نقاط دنیا در یک سطح شناخته شود. حتی آثار این هنرمندان شباهت های زیادی به آرتیست های غربی مثلاً به نیویورکی ها دارند. تصاویر این هنرمندان بیش از اندازه فانتزی هستند و معنا و مفهوم آثارشان در قالب اتفاقاتی که در کشور خودشان می افتد نمی گنجد. درکل خیلی دنباله رانگارگری و نقاشی ایرانی یا حتی تاریخ هنر ایران نیستند. چیزی که به نظر من بیشتر و بولدتر شده این است که هنرمند جوان ایرانی در پی شناخته شدن است. هنرمند ایرانی تمایل دارد علاوه بر کشور خودش در دنیا هم دیده شود. از طرفی شباهت هایی در تاریخ همه ملت ها وجود دارد و اتفاق ها و مشابهت هایی هست که ما می توانیم آنها را وارد نقاشی هایمان بکنیم. انگار این روزها خیلی مهم نیست که کجا زندگی می کنیم. اندیشه، فصل مشترکی است که می تواند تصاویر مشابهی را رقم بزند. من فکر نمی کنم دنبال کردن این شباهت ها اتفاق بدی باشد. اتفاق بد آنجاست که ما تصور کنیم هنر ایران چیزی نداشته به ما بدهد و نگاه مان تنها به بیرون باشد. وقتی معلم ها و دانشجویان روی چیزی که دارند تمرکز نکنند، همین اتفاق خواهد افتاد. چیزهای زیادی وجود دارد که می توانیم از نگارگری ایران یاد بگیریم و تنها با همان زوایایی که غربی ها می شناختند جلو نرویم. در نقاشی ایرانی از نظر رنگ، ترکیب بندی سطوح و... نکته های زیادی برای آموختن وجود دارد. اگر اساتید دانشگاه بیایند و این نکته ها را به عنوان یک آرتیست، به آرتیست دیگر منتقل کنند ترکیبی از یک هنر ایرانی به وجود خواهد آمد. این اتفاق در کار هنرمندان معدودی افتاده است ولی باز هم به نظر من طعم غربی آن خیلی بیشتر از ایرانی است.



## سازه هایی که بخشی از هویت ما را می سازند

قسمت عمده تمرکز روی نقاشی هایی است که ساختمان مساله اصلی آنهاست. همان طور که در نقاشی هایم قابل مشاهده است ساخته های دست بشر، اعم از سازه های صنعتی، شهر و... مورد توجه من هستند. دلیل اش هم این است که فکر می کنم هر آنچه که ما انسان ها می سازیم برآمده از هویت ماست و شباهت هایی به خودمان دارد. حتی می شود گفت این سازه ها بسیار انسانی اند. از این جهت که همانند انسان، بدنه ای دارند و دارای اسکلت بندی و پایه های محکمی هستند. از طرفی از بین سازه های مختلفی که می کشم، سازه های نفتی و سکوها مرتبط با نفت و گاز و پتروشیمی بیشتر مورد توجهم بوده اند. یک دلیل پررنگ شدن این المان های صنعتی در آثار من، شاید این بوده که ما ایرانی هستیم و نفت در اقتصادمان تأثیر گذار است. وقتی این آثار در یک نمایشگاه به نمایش درمی آیند ناخود آگاه توجه هر تماشاگر ایرانی و خارجی به ایرانی بودن اثر جلب می شود. این سکوها یا پلتفرم ها باعث شده اند ما در دنیا شناخته و متمایز شویم. هر چند در سال های اخیر بدون هیچ گونه وسواسی روی انواع گوناگونی از سازه های صنعتی کار کرده ام ولی حضور پررنگ سکوها نفتی در آثارم می تواند نشان دهنده این باشد که به عنوان یک ایرانی چقدر به این سکوها وابسته هستم. به عبارتی من با کمک آنها ایرانی بودنم را بولد می کنم.